

استالین و رویکرد او نسبت به ایران

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۱۹:۱۰

در اواخر جنگ جهانی دوم ایران به وسیله متفقین اشغال شد. با این حال شوروی و شخص رضاشاه طی اعلامیه‌های متعدد بر اصل حفظ تمامیت ارضی ایران تاکید کرد و اعلام نمود بعد از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران خارج خواهد ساخت. چنانچه در سال ۱۳۲۱ سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس اعلامیه‌ای منتشر کردند.

ژوزف استالین، دومین رهبر حزب کمونیست شوروی است دوران رهبری او مقارن با حکومت پهلوی اول و دهه اول حکومت پهلوی دوم است. استالین به مانند هم کیشان خود، تابع ایدئولوژی حزب کمونیسم بود. از این رو در زمان رهبری او بر شوروی، سیاست‌های حزب شوروی دنبال شد. با این حال در زمان رهبری استالین، روابط شوروی با ایران با یک بحران بزرگ مواجه شد. این بحران مربوط به اشغال ایران در دهه ۱۳۲۰ است. با این مقدمه در ادامه روابط ایران و شوروی در زمان استالین و دیدگاه او نسبت به ایران پرداخته شده است.

ایدئولوژی حزب کمونیسم چه بود؟

ایدئولوژی حزب کمونیسم مجموعه‌ای از اصول گسترده است که در خلاصه‌ترین موضوع می‌توان آن را پیاده‌سازی مشی اشتراکی در تمام حوزه‌ها اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ دانست. با پیروزی کمونیست‌ها در شوروی و شکل‌گیری حزب کمونیسم، شوروی سیاست خارجی خود را بر مبنای احترام به کشورها، الغای قراردادهای استعماری و پرداختن به امور داخلی خود دانست. چنانچه در رابطه با ایران قرارداد ۱۹۲۱ امضا شد و طبق این قرارداد مقرر شد تمام امتیازات استعماری میان دو کشور لغو شود و روابط دوستانه میان دو کشور حاکم گردد. البته شوروی این حق را نیز برای خود قائل شد که در صورت مداخله کشورهای خارجی در امور ایران و به خطر افتادن منافع خود در ایران، حق مداخله و دفاع از منافع خود را خواهد داشت.

همین شرط به خوبی بیانگر آن است که کمونیسم در ظاهر مقید به رعایت اصول دوستانه بود و در اصل منافع و سیاست‌های استعماری این کشور کماکان پابرجا بود. با این تفاسیر می‌توان دیدگاه کلی و یا سیاست خارجی استالین را به خوبی درک کرد. این سیاست نه تنها نسبت به ایران بلکه نسبت به سایر کشورهای مشابه ایران حکمفرما بود. به عبارتی می‌توان گفت در دوران دیکتاتوری بناپارت و استالین پوسته انقلاب حفظ شد، در حالی که محتوای انقلاب کنترل شده و اسب سرکش انقلاب رام شده بود. صدور انقلاب در تئوری مفهوم خود را از دست داده بود، ولی در عین حال هر دو دیکتاتوری با دست آویز کردن انقلاب به آن به گسترش حوزه نفوذ خود پرداخته و کشورهای اقماری در حوالی سرزمین خود به وجود آوردند. ۱

بر این اساس وقتی حزب کمونیسم در شوروی حکمفرما شد، ایرانیان و به خصوص مطبوعات ایرانی به تمجید و ستایش از آن پرداختند. حتی بعد از مرگ لنین و روی کار آمدن استالینستایش از رهبر جدید شوروی ادامه یافت. چنانچه پیام نو یکی از مجلات فرهنگی ایران درباره استالین نوشت: «استالین همان فرد انقلابی پاک و صاحب روح بزرگ تزلزل ناپذیر است ... او از وسع معلومات و تجمع و تزکیه نفس و شور درون و روشنی خاطر و پشتکار و سرعت عمل و استواری قدرت اتخاذ تصمیم و مراقبت دائم در انتخاب اشخاص نیرو می‌گیرد. یا در مقاله دیگری درباره شوروی می‌گوید: «کشور شوروی ... بزرگترین پایگاه صلح جهان است و به اقتضای (طبیعت) سوسیالیستی‌اش طرفدار صلح و آرامش جهان ...» ۲

با این حال علیرغم آنکه کمونیسم و شخص استالین در بطن خود به سیاست‌های استعماری و صدور انقلاب پایبند بود، روابط ایران با شوروی در دوره استالین تا اواخر حکومت رضاشاه، توأم با آرامش بود. هر چند در مواردی برخی از اختلافات باعث تیرگی روابط دو کشور شد؛ اما هیچ‌گونه تنش جدی میان دو کشور به وجود نیامد. ظاهراً شوروی و استالین در این دوره تمایل داشتند رابط دوستانه خود با حکومت پهلوی را بنا به دلایل مختلف حفظ کنند. از این رو به باور برخی استالین ترجیح داد نهضت جنگل را فدای این سیاست کند. بسیاری معتقد بودند استالین می‌توانست به واسطه این نهضت برخی از اهداف خند در ایران را محقق سازد؛ اما او تصمیم گرفت در این مورد با رضاشاه همداستان شود. اما این سیاست در دوره محمدرضا شاه با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای مواجه شد.

سیاست استالین نسبت به ایران در دوره محمدرضا پهلوی

در اواخر جنگ جهانی دوم ایران به وسیله متفقین اشغال شد. با این حال شوروی و شخص رضاشاه طی اعلامیه‌های متعدد بر اصل حفظ تمامیت ارضی ایران تاکید کرد و اعلام نمود بعد از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران خارج خواهد ساخت. چنانچه در سال ۱۳۲۱ سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس اعلامیه‌ای منتشر کردند. در این اعلامیه آمده بود: دولت‌های سه کشور فوق در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق منشور آتلانتیک که مورد قبول چهار دولت است استحضار دارند.

۳

اما بعد از پایان جنگ شوروی از اجرای این سیاست سر باز زد. چنانچه وقتی جیمز برنز وزیر خارجه آمریکا که در اواسط دسامبر به مسکو پرواز کرده بود تمایل ایالات متحد آمریکا را به تخلیه کلیه نیروهای بیگانه از ایران بموجب پیمان سه گانه ۱۹۴۲ اعلام داشت، استالین پاسخ داد که هیچ اعتمادی به دولت ایران ندارد و قصد دارد بمنظور حفظ مناطق نفت خیز باکو از «خرابکاران» قوای خود را تا ۱۵ مارس ۱۹۴۶ [۲۴ اسفند ۱۳۲۴] در ایران نگاه دارد. برنز خاطرنشان ساخت که آخرین مهلت برای تخلیه ایران دوم مارس است نه ۱۵ مارس و از استالین خواست که در ایران دست به اقدامی نزنند که به اتحاد میان آمریکا و شوروی لطمه وارد کند.» ۴

این موضوع که نشان از سیاست جدید شوروی و شخص استالین در ایران داشت، نشانگر اهداف استعماری این کشور در رابطه با

ایران نیز بود. اهدافی که در وهله اول بر موضوع نفت و چپاول آن قرار داشت و استالین به هر طریقی سعی داشت بخشی از منافع نفتی را از آن خود کند. چنانچه در نوامبر ۱۹۴۳ کنفرانسی در تهران بین استالین و روزولت و چرچیل منعقد گشت. در این کنفرانس استالین پیشنهاد کرد که قضیه استخراج و توزیع نفت خاورمیانه پس از جنگ مورد بحث قرار گیرد.

روزولت و چرچیل متذکر شدند که طرح این مطلب در آن موقع مقتضی نیست و بحث راجع به آن را باید به وقت دیگری موکول کرد. واضح است که در آن موقع به واسطه احتیاج زیادی که روسیه شوروی به مساعدت آمریکا و انگلستان داشت اصراری به طرح قضیه نفت نکرد ولی بعدها دیده شد که چگونه دولت شوروی خود را علاقمند به نفت خاورمیانه و به خصوص نفت شمال ایران نشان داد. این سیاست هر چند در نهایت با بحران آذربایجان ایران که با دخالت مستقیم شوروی همراه بود، خاتمه یافت. اما این موضوع را ثابت کرد که شوروی در واقع همان روسیه تزاری با سیاست‌های استعماری است. تنها با نامی متفاوت و افرادی متفاوت.

سخن نهایی

با روی کار آمدن حزب کمونیسم و شکل‌گیری شوروی، سیاست‌های استعماری این کشور نسبت به ایران کم‌رنگ‌تر از دوره تزار شد. در واقع شدت و سرعت سیاست‌های استعماری شوروی بسیار کم‌رنگ‌تر از سیاست‌های تزاری بود؛ با این حال شوروی نیز راغب بود همچنان امتیازاتی را در اعمار استعماری گذشته خود کسب کند. این سیاست بعد از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد تقویت شد و سیاست خارجی این کشور را به خصوص در دوره استالین با تحولات جدید مواجه ساخت.

۱- جمعی از نویسندگان، بانک جامع مقالات انقلاب اسلامی ایران، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰، ص ۶۵۶۳

۲- دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، جلد ۱، ص ۲۹۰۸

۳- سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۲۸۰

۴- ریچارد ا. استورات، در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۵

۵- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، کاوش، بی‌تا، صص ۳۵۲-۳۵۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۱۹۵/استالین-و-رویکرد-ایران-نسبت-او-و-رویکرد-استالین>